



کارگاه ترجمه (۱۴)

## بشنو از نی

کریم امامی

با خودم و سردبیر قرار گذاشته بودم «کارگاه ترجمه ۱۴» را به آقای کولمن بارکس اختصاص بدهم، که در حال حاضر در امریکا مترجم مطرح اشعار مولانا به زبان انگلیسی است و فارسی هم نمی‌داند! ولی کار نوشتن مقاله زنده یاد سلیمان حسین به درازا کشید و فرصتی را که در برنامه کارهای خود برای نوشتن «کارگاه» در نظر گرفته بودم بلعید. این است که با پوزش، آن بحث را موکول به آینده می‌کنم و فقط برای «خالی نبودن عریضه» نمونه‌ای از ترجمه آقای بارکس را همراه با اصل آن در اینجا می‌آورم. مأخذ ترجمه کتاب زیر است:

*The Hand of Poetry: Five Mystic Poets of Persia*  
Lectures by Inayat Khan, Translations by Coleman Barks  
New Lebanon, N.Y. Omega Publications, 1993.

### The Reed Flute

Listen to the story told by the reed,  
of being separate.

"Since I was cut from the reedbed,  
I have made this crying sound.

Anyone separated from someone he loves  
understands what I say.

Anyone pulled from a source  
longs to go back.

At any gathering I am there, mingling  
in the laughing and grieving,

a friend to each, but few  
will hear the secrets hidden

within the notes. No ears for that.  
Body flowing out of spirit,

spirit up from body. We can't conceal  
that mixing, but it's not given us

to see the soul." The reed flute  
is fire, not wind. Be nothing.

Hear the love-fire tangled  
in the reed notes, as bewilderment

melts into wine. The reed is a friend  
to all who want the fabric

torn and drawn away. The reed is  
hurt and salve combining.

Intimacy and longing for  
intimacy is one song.

A disasterous surrender,  
and a fine love, together.

The one who secretly hears this  
is senseless.

A tongue has one customer,  
the ear.

The power of a cane flute comes  
from its making sugar in the reedbed.

Whatever sound it has  
is for everyone.

Days full of wanting, let them go by  
without worrying that they do.

Stay where you are, inside  
such a pure, hollow note.

و اینک اصل فارسی هجده بیت آغازین مثنوی، بر اساس چاپ نیکلسن، بعضی ابیات را در در ترجمه بالا نخواهید یافت. آقای بارکس می گوید ترجمه او تنها ابیات ۱ تا ۱۶ دفتر اول را در بر می گیرد.

## بشنو از نی

بشنو از نی چون حکایت می‌کند  
 کز نیستان تا مرا بُئیریده‌اند  
 سینه خواهم شَرَحه شَرَحه از فراق  
 هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش  
 من به هر جمعیتی نالان شدم  
 هرکسی از ظنّ خود شد یار من  
 سرّ من از ناله من دور نیست  
 تن ز جان و جان ز تن مستور نیست  
 آتش است این بانگِ نای و نیست باد  
 آتش عشق است کاندر نی فتاد  
 نی حریف هرکه از یاری برید  
 همچو نی زهری و تریاقی که دید  
 نی حدیث راه پُرخون می‌کند  
 محرم این هوش جز بیهوش نیست  
 در غم ما روزها بیگانه شد  
 روزها گر رفت گو "رو، باک نیست  
 هرکه جز ماهی ز آبش سیر شد  
 در نیاید حال پخته هیچ خام

از جدایی‌ها شکایت می‌کند  
 در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند  
 تا بگویم شرح درد اشتیاق  
 باز جوید روزگار وصل خویش  
 جُفت بدحالان و خوش حالان شدم  
 از درون من نجست اسرار من  
 لیک چشم و گوش را آن نور نیست  
 لیک کس را دید جان دستور نیست  
 هرکس این آتش ندارد نیست باد  
 جوشش عشق است کاندر می فتاد  
 پرده‌هایش پرده‌های ما درید  
 همچو نی دمساز و مشتاقی که دید  
 قصه‌های عشق مجنون می‌کند  
 مرزبان را مشتری جز گوش نیست  
 روزها با سوزها همراه شد  
 تو بمان، ای آن‌که چون تو پاک نیست  
 هرکه بی‌روزی است روزش دیر شد  
 پس سخن کوتاه باید والسلام

## نامه رسیده به کارگاه

جناب آقای امامی، ضمن عرض سلام و ابراز تشکر از درج مطالب خواندنی "کارگاه ترجمه"، اجازه می‌خواهم در مورد کاربرد صحیح ضمیر سوم شخص مفرد در ترجمه فارسی به انگلیسی (مجله مترجم، شماره بیست‌ونهم، صفحه ۹۰) نکته‌ای را عنوان نمایم.

همانطور که فرموده‌اید، استفاده از he or she و یا ضمایر مفعولی و نیز صفات و ضمایر ملکی مربوطه به طریق ارائه شده یکی از راه‌های موجود می‌باشد. اما، راه حل دیگری نیز وجود دارد که ظاهراً از قلم افتاده است و آن استفاده از they, them, their, theirs می‌باشد که گرچه صورت جمع دارند اما در مواردی که اسامی سوم شخص مفرد، غیر مشخص / indefinite می‌باشند، کاربرد این ضمایر رایج می‌باشد که البته در مورد anybody, anyone, somebody, someone, nobody.

everyone و everybody که با فعل مفرد به کار می‌روند متداول نیز می‌باشد (به‌خصوص در محاوره). اما در موارد دیگر سوم شخص غیر مشخص همچون a person و یا an Iranian translator نیز کاربرد دارد. (Swan, M. *Practical English Usage*, 1982, 260, 432)

پس می‌توان جمله مذکور را اینطور ترجمه کرد:

An Iranian translator cannot earn their living just by ...

و چنانچه تشخیص دهیم که این ساختار انگلیسی هنوز خیلی جا نیافتاده و دور از ذهن می‌باشد، شاید بهتر باشد به جای an Iranian translator، از لفظ جمع آن به مفهوم عام استفاده کرد (Iranian translators) و شاید هم مترجم ترجیح دهد به جای این همه در دسر از اصطلاح living استفاده کند تا دیگر اصلاً نیازی به کاربرد ضمیر مناسب نباشد.

با امید اینکه عرایض بنده حمل بر جسارت نشده باشد و با آرزوی توفیق روزافزون.

معصومه بمانی نائینی

عضو هیأت علمی گروه زبان

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

امامی می‌نویسد: از توجه سرکار خانم معصومه بمانی نائینی سپاسگزارم. راه دیگری را که برای ترجمه جمله نمونه — "یک مترجم ایرانی نمی‌تواند با قبول ترجمه‌های سفارشی آموزش را بگذراند" — پیشنهاد کرده‌اند در زبان انگلیسی محاوره‌ای در مورد اسامی غیر مشخص سابقه دارد و من هم سه نمونه از این نوع کاربرد را که از فرهنگهای آکسفورد استخراج کرده‌ام برای روشن‌تر شدن موضوع نقل می‌کنم:

1. A person can't help their birth. (Thackeray, *Vanity Fair*, xii.)
2. It is enough to drive anyone out of their senses. (G.B., Shaw, *Candida*, 86)
3. If anyone telephones ask for their number so I can call them back.

(*Oxford Advanced Learner's Dictionary*, 1995 ed. under "their").

ولی آیا "یک مترجم ایرانی" آنقدر غیر مشخص است که به این الگو بخورد؟ به نظر من نه، و جمله An Iranian translator cannot earn their living just by ... اگر هیچ اشکالی هم نداشته باشد برای اهل زبان به قول خود خانم نائینی "دور از ذهن" خواهد بود. اما با ایشان موافقم که جمع کردن اسم (مترجمان) مشکل ضمیر را حل می‌کند، ولی افزودن ضمیر مؤنث برای دو جنسیتی کردن اسم آیا حقیقتاً مشکل افزاست؟ حسن این الگو آن است که در همه نوع انگلیسی معاصر کاربرد وسیع دارد.